

۷۰ سال چالش خاندان پهلوی در برابر کودتای ۲۸ مرداد/ سؤالی که پدر و پسر هیچ‌گاه پاسخ ندادند!

کودتای ۲۸ مرداد امسال ۷۰ ساله شد اما آنچه در طول این سالها به چالش خاندان پهلوی تبدیل شده است، سکوت در برابر مداخله خارجی در امور داخلی کشور و روی کار آمدن شاه با هماهنگی کشورهای بیگانه است.



آران نیوز : گزارش و تحلیل

تسنیم : 28 مردادماه امسال 70 سال از کودتای بازگرداندن محمدرضا پهلوی به سلطنت با طراحی انگلستان و آمریکا و برانداختن دولت قانونی مصدق می گذرد. در 70 سال گذشته و به ویژه از سال 57 تاکنون، خاندان پهلوی در برابر سؤال پیرامون این کودتا و بر سر کار آمدن مجدد شاه با کمک خارجی، چالش داشته اند.

به خلاف مقامات دولت های آمریکا و انگلستان که نقش خود در طراحی این کودتا را پذیرفته اند، دنباله سلسله پهلوی هیچ گاه نخواستند کودتای انجام شده را بپذیرند؛ سؤال درباره کودتای 28 مرداد در سالهای گذشته همواره با سکوت بازماندگان پهلوی روبه رو شده است، چه شخص رضا پهلوی و چه مادر وی فرح که در دوران حکومت شاه، ملکه بود نه تنها از آن اتفاق عذرخواهی و یا انتقاد نکردند بلکه درصد توجیه برآمدند.

محمدرضا شاه پهلوی - که در دوران پادشاهی وی سالگرد 28 مرداد را تحت عنوان رستاخیز ملی جشن می گرفتند - در کتاب پاسخ به تاریخ که در دوران آوارگی بعد از پیروزی انقلاب نگاشته شده است، روایت متناقضی از آن روز ارائه می کند؛ وی می گوید برکناری مصدق با مشورت روزولت بود اما به بهانه جلوگیری از خونریزی ایران را ترک کرد؛ او کودتا را قیام مردم معرفی می کند که خواهان بازگشت وی شده بودند!

«در مرداد 1332 پس از حصول اطمینان از پشتیبانی ایالات متحده آمریکا و انگلیس که سرانجام سیاست مشترکی را آغاز کرده بودند و پس از بررسی اوضاع با کرمیت روزولت نماینده سازمان مرکزی اطلاعات ایالات متحده بر آن شدم برای یافتن راه حلی وارد عمل شوم: در 25 مرداد 1332 سرهنگ نعمت الله نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی را مأمور کردم که فرمان برکناری مصدق را به وی ابلاغ کند و سیه فضل الله زاهدی که از دوستان پیشین مصدق و وزیر سابق دولت او بود به نخست وزیری برگزیدم.»

شاه در ادامه می گوید که تصمیم را به ملت واگذار کرد و از ایران خارج شد: «من که از طرح های سیاسی و جاه طلبی های او کاملاً باخبر بودم تصمیم گرفتم که برای جلوگیری از هرگونه خونریزی کشور را ترک کنم و ایرانیان را در انتخاب راه آینده کشور آزاد بگذارم این تصمیم بی ملاحظه نبود ولی با تعمق و تحمل و سنجش نتایج آن را اختیار کردم.»

او در کتاب خود اشاره ای به نقش انگلستان و آمریکا در روی کار آمدن مجدد خودش نمی کند؛ در فاصله خروج شاه از ایران و بر سر کار آمدن مجدد او با کودتا، صحبت از تغییر رژیم شاهنشاهی بود و اگر شاه آینده ایران را به مردم واگذار کرده بود، باید مردم درباره آینده حکومت نظر می دادند و چیزی شبیه فرادوم برگزار می شد.

دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت مصدق که بعد از 28 مرداد دستگیر و اعدام شد، روز 25 مرداد در میتینگ در میدان بهارستان خواستار الغای سلطنت و برقراری جمهوری شد. شاید یکی از دلایلی که مردم به مجسمه های رضاشاه در سطح شهر هجوم می برند و آنها را پایین می کشند همین سخنرانی آتشین وی علیه دربار و خاندان پهلوی باشد.

سه سرمقاله «باختر امروز» نیز به شدت به دربار و محمدرضاشاه حمله می کند و در نهایت با زیر سؤال بردن نهاد سلطنت، پیشنهاد حکومتی بر مبنای «جمهوری» را می دهد. علاوه بر فاطمی و افرادی مثل شایگان و خلیل ملکی، حزب توده نیز در آن چند روز با راهپیمایی خواستار برقراری جمهوری دموکراتیک خلق شد، حزب ایران نیز خواستار برقراری جمهوری بود و جمعیت آزادی مردم ایران (جاما) نیز پیشنهاد استقرار جمهوری را به مصدق داد.

شاه در ادامه پاسخ به تاریخ چنین می گوید: «باید گفت که ملت ایران در آستانه سقوط حتمی به خود آمد و نسبت به خطر عظیمی که حیات کشور را تهدید می کرد آگاهی و وقوف یافت؛ پس از آنکه من ایران را ترک کردم کشور سه روز دچار فتنه و آشوب بود به خصوص در دو روز اول در تهران...، روز سوم یعنی 28 مرداد کارگران و اصناف و دانشجویان و پیشه وران و صاحبان مشاغل آزاد، سربازان و پاسبانان، همه زنان و مردان حتی کودکان با همتی بی نظیر و شجاعتی وصف ناپذیر به میدان ها و خیابان ها ریختند...!»

آنچه شاه نقل می کند با آنچه در کف خیابان ها در آن روز با حضور ارتشی های وابسته به زاهدی و ارادل و اوباش شعبان جعفری و زنان شاغل در شهرنو رخ داد تفاوت دارد و او قصد دارد بر سر کار آمدن خود را ناشی از خواست ملت عنوان کند اما آنچه مهم است او حتی در دوران فرار و عزلت نیز قصد مواجه شدن با واقعیت را نداشت.

در سالهای اخیر همین چالش گریبان گیر رضا پهلوی است و او نیز قصد مواجهه با واقعیت را ندارد، وی یک بار در نشست مطبوعاتی در مؤسسه هودسون آمریکا وقتی از او پرسیدند "آیا غیر از آمریکایی ها، شما یا خانواده تان هیچ گاه به خاطر کودتای 28 مرداد عذرخواهی می کنید؟" جواب داد: "من قضاوت در مورد این را که چه بود به تاریخ دانان می سپارم ولی معمولاً کودتا از پایین به بالاست نه بالا به پایین!" و بعد در توجیه برکناری مصدق گفت: اگر تغییر هر نخست وزیر کودتاست پس هر بار که (زمان شاه) نخست وزیر عوض شده است، کودتا بوده پس ما یک سال در میان کودتا داشته ایم!

وی که دانش آموخته علوم سیاسی است نمی داند کودتا به خلاف انقلاب توسط نظامیان و از بالا به پایین انجام می پذیرد و یا برکناری محمد مصدق نه با استعفا یا با اراده شاه بلکه با قوه قاهره نظامیان و حمایت دولت های آمریکا و انگلستان رخ داد.

در ایام اغتشاشات سال گذشته، رضا پهلوی نشست خبری با حضور نمایندگان رسانه های فارسی زبان خارج از کشور در 29 مهرماه برگزار کرد. این نشست طولانی تنها با حضور رسانه هایی همچون بی بی سی، صدای آمریکا و اینترنت نشنال برگزار شد اما جایی از این نشست خبری تشریفاتی، پاشنه آشیل پهلوی ها خودنمایی کرد و آن زمانی بود که یک خبرنگار درباره حمایت خارجی ها از اعتراضات و نگرانی ها از دخالت خارجی در امور داخلی کشور می پرسید و به کودتای 28 مرداد و روی کار آمدن محمدرضا پهلوی با حمایت آمریکا اشاره می کند، این سؤال که شاید بدون هماهنگی پرسیده شد، تاحدودی عصبانیت رضا پهلوی را در پی داشت اما او نه تنها به کودتای 28 مرداد اشاره ای نمی کند بلکه تلویحاً از حمایت خارجی نیز دفاع می کند.

رضا پهلوی با اشاره به شعار دوران اغتشاشات 88 که می گفتند "اوباما؛ یا ما یا اونا" و درخواست آشوبگران برای موضع گیری نمایندگان کنگره یا نمایندگان پارلمان اروپا، مسئله دخالت خارجی را یک "ذهنیت کهنه" دانست و گفت: اتفاقاً اعتراض مردم به دنیا این است که "چرا کاری نمی کنید؟"، دخالت در حفظ حقوق بشر امری واجب است اگرچه لشگرکشی را نفی می کنیم.

سکوت در برابر کودتای 28 مرداد، هم برای پوشاندن ضعف ها و اشتباهات دوران حکومت شاهنشاهی است و هم آن که عملکرد رضا پهلوی در طول دوران زندگی در خارج کشور نشان داده است با سلطه بیگانه و حمایت خارجی مشکلی ندارد، کما اینکه در گذشته خواستار تمدید و افزایش تحریم ها علیه ایران شده بود و اخیراً نیز در نشست با چند عضو اتحادیه اروپا خواستار تحریم و فراخواندن سفرای اروپایی شد.